

چالش‌های آموزش محیط‌زیست به دانش‌آموزان مقطع ششم ابتدایی از منظر حقوق بین‌الملل بشر و قوانین ایران

*سهیلا کوشا^۱، حسین آل کجبا^۲، پانیز طاهری^۳

۱. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. دانشیار، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

(دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۷ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۱)

Challenges of Environmental Education for Sixth Grade Elementary Students from the Perspective of International Human Rights and Iranian Law

*Soheyla Koosha¹, Hossein Al Kajbaf², Paniz Taheri³

1. Assistant Professor, Department of Law, Payame Noor University, Tehran, Iran

2. Associate Professor, Department of Law, Payame Noor University, Tehran, Iran

3. Master student of International Law, Payame Noor University, Tehran, Iran

(Received: 2020.09.07 Accepted: 2021.01.10)

Abstract:

The right to education and protection of the environment is an example of the third generation of human right which are effective in benefiting sustainable development and any pollution will endanger the life of every creature. The aim of this research is to study the procedures of achieving these rights by teaching environmental protection to sixth-grade elementary school students. This research by using descriptive-analytical-field method is answering this question that what are the challenges and necessities of the environmental education for sixth-grade students? Based on this research, the current environmental education in the educational system is not purposeful and does not create an environment-oriented culture. Research data were collected by studying environmental and human rights documents according to international law and Iranian law, as well as data from examining a questionnaire of 400 students in Tehran in the persian year 1398. The face validation method and Cronbach's alpha were used for data reliability and validity, then for data analysis, SPSS and Excel software were used. The results show that having responsible citizens, furtherance of sustainable development can be achieved by teaching methods of environmental protection to students of 11 to 12 years old, who are able to perceive, learn and find solutions, as they can accept responsibility and obey the law, educating them creates a conscious generation with critical thinking and effective in bringing about constructive changes. These can be achieved by having precise educational planning, writing new books, encouraging students to critical thinking, increasing awareness, dialogue and active social participation.

Keywords: The right to education, the right to a healthy environment, International human rights, Sixth grade elementary students, The I. R. Iran constitution.

چکیده:

حق بر آموزش و حفاظت از محیط‌زیست، از مصادیق نسل سوم حقوق بشر است که در بهره‌مندی از توسعه پایدار مؤثر می‌باشد و آلودگی محیط‌زیست، حیات همه موجودات زنده را به خطر می‌اندازد. هدف پژوهش، بررسی راهکارهای تحقق این حق با آموزش حفاظت از محیط‌زیست به دانش‌آموزان مقطع ششم ابتدایی است. این پژوهش، با بهره‌مندی از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی-میدانی درصدد پاسخگویی به این سؤال است که چالش‌ها و ضرورت آموزش محیط‌زیست به‌عنوان یک حق بشری، به دانش‌آموزان مقطع ششم ابتدایی چیست؟ طبق نتایج به‌دست‌آمده، آموزش محیط‌زیست در نظام آموزشی کنونی، هدفمند و باعث تحقق فرهنگ محیط‌زیست محور نمی‌گردد. داده‌های این پژوهش با بررسی اسناد محیط‌زیستی و حقوق بشری در حقوق بین‌الملل و حقوق ایران، ارائه پرسشنامه به ۴۰۰ نفر، از دانش‌آموز تهرانی، در سال ۱۳۹۸ به دست آمده است. جهت روایی و اعتبار داده‌ها، روش اعتبار صوری و آلفای کرونباخ و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای اس.پی.اس.اس و اکسل استفاده شد که نشان می‌دهد بر خوردراری از شهروندان مسئول، تحقق توسعه پایدار با آموزش این موارد از سنین ۱۱ تا ۱۲ سال می‌تواند محقق گردد. چون دانش‌آموزان از این سن، توانایی درک، یادگیری و راهکارهایی را پیدا کرده‌اند و در ابتدای مسیر مسئولیت‌پذیری و قانون‌مداری هستند، از همین رو آموزش ایشان، نسلی آگاه با تفکری نقاد و مؤثر جهت تحقق تغییری سازنده پدید می‌آورد که با برنامه‌ریزی دقیق، تألیف کتب و ترغیب دانش‌آموزان به تفکر انتقادی، کسب آگاهی، گفت‌وگو و مشارکت فعال بهتر میسر می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: حق بر آموزش، حق بر محیط‌زیست سالم، حقوق بین‌الملل بشر، مقطع ششم ابتدایی، قانون اساسی ج.ا. ایران.

مقدمه

پیشرفت‌های علمی عصر حاضر، هنوز موفق به کشف مکان دیگری به غیر از کره زمین برای اسکان و زیست بشر نشده است. امروزه ما با انواع آلودگی‌های آب‌وهوا، آلودگی صوتی، گرمایش زمین و افزایش بیابان‌زایی مواجه هستیم که توازن طبیعت را بر هم زده است؛ هم‌چنین با شیوع انواع بیماری‌ها از جمله کرونا، حیات انسان و سایر موجودات زنده با خطرات جدی مواجه شده است. از نظر نگارنده بهترین روش برای نجات بشر به‌کارگیری رویکردی از جزء به کل و پذیرش مسئولیت فردی از طریق ایجاد تغییر با شروع از خویشتن است. از همین رو نهادینه کردن تفکر حفاظت از محیط‌زیست با ایجاد الگوی صحیح رفتاری و توجه به آموزش محیط‌زیست می‌تواند بسیار مفید باشد، چون تا قبل از انقلاب صنعتی، تهدیدات زیست-محیطی شامل «سیل، زلزله، آتشفشان، قحطی و طاعون» بود و فعالیت‌های بشر چندان تهدیدی برای محیط‌زیست تلقی نمی‌شد؛ اما با افزایش بحران زیست‌محیطی در دو قرن اخیر توجه به ضرورت حفاظت از محیط‌زیست افزایش یافت و در طی دو دهه گذشته چندین قرارداد دو و چندجانبه با هدف حمایت از محیط‌زیست منعقد شدند. در برخی موارد نظیر آلودگی محیط‌زیست با زباله‌های اتمی، کمیته حقوق بشر سازمان ملل، این اقدام را فجیع توصیف کرد و آن را نقض حق حیات مذکور در ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (میثاق اول) دانست (Mac Collin, 2003). اجتناب از تخریب محیط‌زیست به دلیل ضرورت رعایت حق حیات، امنیت و سلامت انسان‌ها و سایر موجودات زنده می‌تواند از طریق آموزش محیط‌زیست محقق گردد. چراکه آموزش، ابزار رشد و شکوفایی انسان‌ها است؛ از نظر یونسکو، آموزش مؤثر می‌بایست منجر به یادگیری «نحوه زندگی کردن، دانستن، اجرا کردن و حفظ حیات» گردد. (Ssenyonjo, 2009).

به‌طور کلی آموزش، شرط اساسی تحقق حقوق مدنی و سیاسی افراد هر جامعه است که باعث ایجاد توانمندی‌های لازم برای نظارت و کنترل نحوه عملکرد دولت‌ها در امور زیست-محیطی خواهد شد، از همین رو حق بر آموزش به‌طور عام و ضرورت توجه به آموزش محیط‌زیست به‌طور خاص، در زمره حقوق بنیادین بشر قرار می‌گیرند و در اسناد بین‌المللی از جمله ماده ۲۶ اعلامیه حقوق بشر (۱۹۴۸)، مواد ۱۳ تا ۱۵ میثاق حقوق فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی (۱۹۶۶) و مواد ۲۸ و ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) مورد شناسایی و تأکید قرار گرفته است.

وجود آلودگی‌ها و مسائل زیست‌محیطی، عدم آگاهی شهروندان از قوانین و نحوه نامناسب برخورد با چالش‌ها و مسائل شهروندی و زیست‌محیطی، به‌خصوص احساس نیاز به ایجاد علاقه و انگیزه در نوجوانان و جوانان نسبت به وظایف شهروندی و مسئولیت حفظ محیط‌زیست، عدم وجود آموزش و فرهنگ‌سازی مناسب در مورد قوانین مربوطه و در مورد محیط‌زیست بالأخص در نظام آموزشی پایه، سبب طرح این پژوهش گردیده است.

در تحقیقی تحت عنوان «عوامل اجتماعی اثرگذار بر رفتار زیست‌محیطی شهروندان» با ۱۲۰۰ نفر از ساکنان تهران که به‌صورت تصادفی انتخاب شده بودند؛ در مورد رفتارهای زیست‌محیطی، عقاید، دانش و منابع دانش زیست‌محیطی ایشان مصاحبه شد؛ نتایج تحقیق نشان داد که رفتار زیست-محیطی مردم در مناطق شهری به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم از متغیرهایی نظیر سن، جنس، درآمد، تحصیلات، دانش پایه‌ای از مسایل زیست‌محیطی، قانون‌گذاری زیست-محیطی، نگرش‌های زیست‌محیطی، احساس نگرانی و آماده-سازی برای رفتار زیست‌محیطی، تأثیر می‌پذیرد. نتیجه این تحقیق نشان داد که تحصیلات و افزایش دانش پایه‌ای ساکنان تهران می‌تواند نگرش محیطی‌شان را تغییر داده و احساسات ایشان را به سوی محیط‌زیست سوق دهد (Kalantari et al, 2007). پژوهشی با عنوان «روش‌های آموزش مهارت‌های زیست‌محیطی، مطالعه موردی: آموزش کودکان» به بررسی لزوم این آموزش و روش‌های کنونی آموزش محیط‌زیست در ایران پرداخته است و مختوم به این نتیجه می‌باشد که آموزش، وسیله‌ای برای نیل به ارزش‌ها است؛ بنابراین نظام تعلیم و تربیت باید ضمن گسترش آموخته‌ها در جامعه، افراد را از آگاهی و دانش به‌سوی عمل حرکت دهد (Ebrahimi & Ghavam & Moghanaki, 2008). در پژوهشی دیگر با عنوان «جایگاه مغفول آموزش محیط‌زیست در کتب درسی، مطالعه موردی؛ کتب علوم و تعلیمات اجتماعی مقطع راهنمایی» به بررسی و ارزیابی میزان توجه به آموزش محیط‌زیست در کتب درسی علوم تجربی و تعلیمات اجتماعی مقطع تحصیلی راهنمایی در دو بخش متن و تصویر پرداخته شده است. در این پژوهش شاخص‌ها و استانداردهای آموزش محیط‌زیست در قالب مهارت‌های پرسش و تحلیل، دانش فرایندها و سیستم‌های طبیعی، بررسی موضوعات زیست-محیطی، مهارت‌های عمل و تصمیم‌گیری و مسئولیت شهروندی و مدنی تدوین و تنظیم گردید. طبق نتایج این

وضعیت زندگی بشر از طریق بازنگری و اصلاحات لازم، در برنامه‌ها، فنون، منابع اولیه مورد استفاده در فرایند تولید و رشد اقتصادی و اجتماعی با لحاظ کردن حقوق محیط‌زیست، مهار تخریب‌ها و خنثی نمودن بحران‌های زیست‌محیطی می‌داند و توسعه را زمانی پایدار و مورد پذیرش دانسته که در چهارچوب تضمین حقوق و ضرورت‌های زیست‌محیطی انجام بگیرد. در نتیجه‌گیری چنین بیان شد که بهبود شرایط زندگی بشر و رسیدن به سطح بالایی از رفاه، منوط به حفظ یکپارچگی، زیبایی و ثبات نظام‌های حیاتی و حقوق نسل‌های آینده می‌باشد (Anabi & Arashpour, 2018).

در پژوهش‌های انجام‌شده تاکنون پایه ششم ابتدایی، به‌عنوان پایه آموزشی هدف، مورد توجه نبوده است و در موارد مشابه به‌صورت کلی و عام، از مقاطع دبستان، راهنمایی، دبیرستان و دانشگاهی یاد شده است که به نظر می‌رسد این کلی‌گویی و عدم تمرکز بر مقطعی خاص که قابلیت شناسایی و درک موضوع برای دانش‌آموز و پتانسیل برنامه‌ریزی و هدف-گذاری برای برنامه‌ریزان و تهیه‌کنندگان محتوای آموزشی را داشته باشد، سبب ناکارآمدی و غیر مؤثر شدن آموزش‌های موجود و ناکارآمدی و غیر اجرایی بودن عملکرد شهروندان نسبت به مسئولیت‌های شهروندی خود می‌شود؛ در صورتی که می‌بایست به‌طور جدی مدنظر محققان، برنامه‌ریزان و قانون‌گذاران باشد. از آنجاکه اجراء شدن موازین و اهداف حقوق بین‌المللی، با توجه به مباحث جهانی شدن و اتحاد و همکاری بین‌المللی، درگرو تعهد و مسئولیت‌پذیری توأم با اقدامات عملی در حیطه داخلی کشورها است و به‌طور قطع روش دیگری برای تحقق این اهداف در عرصه بین‌المللی در حال حاضر متصور نیست، لاجرم می‌بایست که این زنجیره به‌هم‌پیوسته ارتباط، بین حقوق شهروندی و بالأخص محیط‌زیست را که توسعه اقتصادی- فرهنگی- سیاسی- اجتماعی ملی و بین‌المللی را در پی خواهد داشت و در نهایت منجر به اتحاد و صلح بین‌الملل خواهد شد، در درون مرزهای داخلی کشورها و تحت حکومت و قانون داخلی آن‌ها پیگیری و به اجرا گذاشته شود که در گام اول و بنیادین آن، آموزش نسل جوان خواهد بود.

هدف این مقاله ارتقای آگاهی دانش‌آموزان مقطع ششم ابتدایی ایران درباره ضرورت حفاظت از محیط‌زیست از طریق آموزش بایدها و نبایدهای زیست‌محیطی و تحقق توسعه پایدار است. چون نه تنها باعث ارتقای سیستم آموزشی کشور و بالأخص هم‌خوانی و هم‌ترازی آن با معیارهای جهانی توسعه از لحاظ آموزش حفاظت از محیط‌زیست می‌گردد، بلکه موجبات

پژوهش، مجموعاً میزان توجه به شاخص‌ها و مؤلفه‌های آموزش محیط‌زیست در کتب مورد پژوهش، در حدی نازل و نارسا است که می‌بایست اصلاحات و تغییرات اساسی در این حوزه انجام گیرد (Amini & Mashaalahi, 2014).

پژوهشی دیگر با عنوان «توسعه پایدار و حق بر محیط‌زیست سالم: چشم‌انداز نسل‌های آینده» به بررسی ارتباط منطقی بین دو مقوله محیط‌زیست و توسعه پایدار پرداخته است؛ نتیجه آن بیان می‌دارد که در توسعه پایدار، حق بر محیط‌زیست سالم نیز مدنظر است، الگویی که اولویت را به رعایت الزامات زیست-محیطی داده است و این دو هدف واحدی را دنبال می‌کنند که همان حرکت هدفمند جهت تضمین و تثبیت حق بر توسعه و حفظ محیط‌زیست نسل حاضر و رعایت حق بر محیط سالم و متوازن و نیازها و منافع نسل آینده است. در این راستا پیشنهاد تصویب قانون عادی، جهت حفظ محیط‌زیست برای نسل‌های آینده با توصیف و تعیین معیارها و ضوابط آن در راستای اجرایی کردن اصل پنجاهم قانون اساسی را ارائه می‌دهد (Ramezani Ghavamabadi & Shafiqfard, 2016).

در پژوهشی با عنوان «بررسی پیشگیری از جرایم زیست-محیطی، جرایم سبز، با تأکید بر نظام حقوقی» به بررسی جرایم زیست‌محیطی و نقش پیشگیری از جرایم توسط سازمان‌های دولتی و غیردولتی پرداخته شده است. پژوهشگر با مطالعه جنبه‌های نظری پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی و ارزیابی مقتضیات و موانع این حوزه، در نتیجه به ارائه راهکارهای پیشگیرانه جهت حفظ محیط‌زیست و کاهش جرایم زیست-محیطی پرداخته است (Nazari Bahar, 2017). در پژوهش «حق بر آموزش در زمینه مسایل زیست‌محیطی»، پژوهشگر آموزش را در تمامی سطوح و در همه اشکال، ابزاری حیاتی در حل مسائل محلی و جهانی دستیابی به توسعه پایدار، از جمله: فقر، تخریب محیط‌زیست، تهدید صلح و امنیت، توسعه روستایی و تغییر در الگوهای تولید و مصرف می‌داند. در نتیجه-گیری به لزوم آگاهی زیست‌محیطی و ضرورت مشارکت افراد تأثیرگذار و تأثیرپذیر در تصمیم‌گیری‌های محیط‌زیستی پرداخته شده است و آموزش زیست‌محیطی به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه، برای متوقف کردن حرکت پرشتاب نابودی محیط‌زیست، امری مؤثر شناخته شده است (Kalhor, 2017). در پژوهشی با عنوان «حقوق محیط‌زیست و توسعه پایدار»، پژوهشگر به اهمیت محیط‌زیست و لزوم وجود عزم و اجماعی جهانی در مهار آلودگی‌ها و مخاطرات زیست‌محیطی پرداخته شده است و توسعه پایدار را تلاش برای استمرار بهبود

و غیره مورد بررسی قرار گرفت؛ هم‌چنین وضعیت کنونی محیط‌زیست و حقوق بشر و شهروندی در ارتباط با آموزش و محیط‌زیست، برنامه‌ها و کتاب‌های آموزشی مرتبط با آن مورد بررسی قرار گرفت. در جهت تکمیل پژوهش حاضر، پس از مطالعه و بررسی محتوای مرتبط با حقوق بشر و محیط‌زیست و مسئولیت شهروندی کتاب‌های آموزشی مقطع ششم ابتدایی، پرسشنامه‌ای^۱ به منظور بررسی سطح آگاهی و عملکرد و شناخت دانش‌آموزان این مقطع از حقوق شهروندی و مسئولیت‌های محیط‌زیستی و بررسی سطح آموزش‌های دریافتی آنان، از طریق نظام آموزشی کشور و با توسط آموزگاران و والدین ایشان، تهیه و تدوین گردید و از بین ۱۳۳۰۸۰۱ نفر دانش‌آموز مقطع ششم ابتدایی ایران در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ (Tasnim, 2017)، حجم نمونه ۴۰۰ نفر تعیین گردید و دانش‌آموزان ساکن تهران مورد تحقیق واقع شدند و به پرسشنامه^۲ در بازه زمانی اول مهرماه تا سی‌ام آبان ماه ۱۳۹۸ به صورت آنلاین و اینترنتی پاسخ داده شد؛ در این راستا به برخی از مدارس مراجعه شد و متأسفانه با محدودیت همکاری مدارس به علت در دست نبودن امکانات اینترنتی مواجه گردیده و در برخی موارد با حضور شخصی نگارنده به پرسشنامه‌ها پاسخ داده شد و هم‌چنین با همکاری تعدادی از دانش‌آموزان و والدین و آموزگاران ایشان، لینک^۳ پرسشنامه برای سایر دانش‌آموزان و والدین آن‌ها و آموزگاران ارسال شد تا جهت پاسخ به پرسشنامه‌ها در اختیار دانش‌آموزان در حال تحصیل در مقطع ششم ابتدایی قرار گیرد. پردازش و تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات نیز توسط نرم‌افزار آماری SPSS و Excel و نرم‌افزار آنلاین کافه پردازش انجام شد. هم‌چنین جهت بررسی روایی و اعتبار داده‌های پژوهش از روش بررسی اعتبار صوری با راهنمایی و مشاوره اساتید و صاحب‌نظران این

برخورداری کشور از شهروندانی مسئولیت‌پذیر را فراهم می‌کند که از اهداف ثانویه هر نظام آموزشی است. چراکه حفاظت از محیط‌زیست و توسعه پایدار فقط با فرهنگ‌سازی از زمانی امکان‌پذیر است که فرزندان ما به درجه‌ای از درک این مسائل و توان جسمی لازم برای ایفای تعهدات زیست‌محیطی رسیده باشند؛ از همین رو درصدد پاسخگویی به این سؤال هستیم که چالش‌های حقوقی تحقق حق بر آموزش محیط‌زیست به دانش‌آموزان ششم ابتدایی چیست؟ آموزش محیط‌زیست به این مقطع تحصیلی چگونه می‌تواند صورت بگیرد؟ در این راستا مبادرت به بررسی شیوه تحقق حق بر آموزش با توجه به مفاد اسناد بین‌المللی نموده‌ایم و بر اساس پرسشنامه‌های توزیع شده میزان علاقه‌مندی و تأثیر مثبت آموزش محیط‌زیست را به دانش‌آموزان این مقطع مورد مذاقه قرار داده‌ایم.

فرضیه پژوهش حاضر این است که آموزش حفاظت از محیط‌زیست به این دانش‌آموزان در راستای تحقق حق بر آموزش می‌تواند تأثیر مثبتی در حفاظت از محیط‌زیست و کاهش آلودگی‌ها و زباله‌سازی داشته باشد. نکته مهم در آموزش محیط‌زیست توجه به این امر است که نسل سوم حقوق بشر موسوم به حقوق همبستگی که شامل حق بر صلح، حق بر توسعه و حق بر محیط‌زیست سالم می‌گردد، بیانگر ارتباط آن‌ها با یکدیگر و بالأخص ارتباط مستقیم آن با حفظ حق حیات همه موجودات زنده در روی کره زمین می‌باشد. چون عدم توجه به حفاظت از محیط‌زیست می‌تواند توسعه همه جوامع بشری را با اختلال جدی مواجه کند و در نهایت به دلیل کاهش منابع زیست‌محیطی سالم، اختلاف بین دولت‌ها برای دستیابی به آن‌ها زیاده‌تر خواهد شد و با شروع جنگ‌ها شاهد به خطر افتادن صلح و حق حیات همه موجودات زنده خواهیم بود. به عبارتی با آموزش حفاظت از محیط‌زیست می‌توانیم در راستای هدف اصلی سازمان ملل گام برداریم که «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی» است.

روش پژوهش

داده‌های پژوهش با بهره‌مندی از روش اسنادی و میدانی گردآوری گردیده است. در این خصوص قانون اساسی، قوانین و اسناد داخلی و بین‌المللی مربوط به حقوق بشر و حقوق شهروندی و حقوق محیط‌زیست، مقالات فارسی و انگلیسی و سایت‌های رسمی برخی ارگان‌ها و سازمان‌های داخلی و خارجی، سازمان حفاظت محیط‌زیست ایران و برخی از کشورها و سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد فعال در زمینه محیط‌زیست

۱. پرسشنامه شامل ۵۰ سؤال سه گزینه‌ای با سوالات بسته بر اساس طیف لیکرت تدوین گشته است. در تعریفی ساده طیف لیکرت ابزاری برای نگرش افراد در تهیه پرسشنامه‌های سنجش‌گرایانه است زمانی که قصد داریم متغیرهای غیرقابل اندازه‌گیری و کیفی را بسنجیم.

۲. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و جدول مورگان ۳۸۴ نفر مشخص شد که جهت اطمینان نهایتاً ۴۰۰ نفر هدف پاسخگویی قرار گرفتند و نمونه‌گیری به روش تصادفی ساده تعیین گردید. فرمول کوکران و جدول مورگان هر دو روشی برای محاسبه حجم نمونه آماری هستند که با استفاده از آن می‌توان حداقل حجم نمونه لازم از یک جامعه آماری را برای داشتن نتیجه موفق‌تر برآورد نمود. نمونه‌گیری تصادفی ساده روشی است که در آن هر یک از اعضای جامعه آماری شانس یکسان و برابری در انتخاب شدن به‌عنوان نمونه را دارا است.

۳. فرم پرسشنامه با استفاده از گوگل فرم و به‌صورت آنلاین تهیه گردید.

۴. Link: (در یک سایت یا صفحه اینترنتی، نشانی اینترنتی که از طریق آن می‌توان به داده‌های سایت یا صفحه دیگری دست‌یافت)

حقوق بشری موجود و قوانین ایران، آموزش رسمی در مقاطع ابتدایی و حتی عالی را مورد توجه قرار داده است که در قسمت-های بعدی به آن پرداخته‌ایم.

حیثیت ذاتی و کرامت انسانی ایجاب می‌کند تا انسان‌ها با بهره‌مندی از حق بر آموزش به‌عنوان یک حق بشری در راستای تحقق حقوق اقتصادی-اجتماعی-فرهنگی خودشان گام بردارند. چون حق بر آموزش یک حق توانمندساز است که زمینه برخورداری از سایر حقوق بنیادین بشر را فراهم می‌کند. از طرفی حق بر آموزش یک حق سیاسی-مدنی هم تلقی می‌گردد. در خصوص حق بر آموزش در اسناد بین‌المللی، لازم به ذکر است که در منشور سازمان ملل به‌صراحت این حق ذکر نشده است؛ ولی در مواد ۵۵، ۵۷ و ۵۹ منشور به‌طور ضمنی و غیرمستقیم به این حق اشاره شده است. چون بند (ب) ماده ۵۵ منشور خواستار همکاری بین‌المللی در امور فرهنگی و آموزشی است. بند ۱ ماده ۵۷ منشور نیز بیان می‌دارد مؤسسات تخصصی که به‌موجب موافقت‌نامه‌های بین‌المللی در امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و غیره تأسیس می‌شوند و طبق اساسنامه خودشان دارای مسئولیت-های وسیع بین‌المللی باشند، می‌توانند طبق ماده ۶۳ منشور، وابسته به سازمان ملل شوند. سپس ماده ۵۹ منشور مقرر می‌دارد، در صورت لزوم موجبات مذاکرات بین کشورهای ذی‌نفع برای ایجاد این مؤسسات تخصصی توسط سازمان ملل فراهم خواهد شد (Rosenne, 1991). این موارد بیانگر اهمیت آموزش و ضرورت توجه به تحقق حق بر آموزش در این سازمان جهانی است. از طرفی با تحقق حق بر آموزش و بالأخص آموزش محیط‌زیست می‌توان در راستای تحقق اهداف این سازمان جهانی از جمله «رعایت حقوق اساسی بشر، حفظ عدالت و ترقی اجتماعی و شرایط زندگی بهتر با آزادی بیشتر» مذکور در مقدمه منشور، گام برداشت؛ زیرا آموزش روندی است که انسان طی آن می‌آموزد تا حقوق خود را به‌طور کامل بشناسد و موانع موجود را رفع و به حقوق سایرین احترام بگذارد. از طرفی تحقق «صلح، دموکراسی و توسعه» بدون توجه به آموزش امکان‌پذیر نیست. ابتدایی‌ترین نوع آموزش، آشنایی با حقوق بنیادین بشر از جمله حفاظت از محیط‌زیست است تا در راستای دوام و ثبات حیات بشر و همه موجودات زنده گام برداریم.

کمیته حقوقی میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (میثاق دوم) در سال (۱۹۹۹) در خصوص ماده ۱۳ این میثاق اذعان کرد که آموزش یک حق بشری و سازوکاری ضروری

حوزه و هم‌چنین استفاده از روش آلفای کرونباخ^۱ مدد گرفته شده است. در آزمون مقدماتی، طیف‌ها از طریق ۴۰ پرسشنامه اولیه، مورد آزمون روایی قرار گرفتند، در این رابطه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده که ضریب روایی کل طیف را مشخص می‌کند و گویه‌های نامناسب که سبب کاهش روایی طیف شدند، حذف و گویه‌های دارای روایی قابل‌قبول مورد استفاده قرار گرفتند و پرسشنامه برای مرحله نهایی مورد آزمون واقع شد. مقدار آلفای کرونباخ در نمونه مقدماتی پرسشنامه و بین تمامی گویه‌ها ۰/۹۹۲ و در نمونه نهایی ۰/۹۹۵ می‌باشد که میزان مطلوب پایایی پرسشنامه را مشخص می‌نماید. پس از اندازه‌گیری میزان پایایی همه متغیرهای پرسشنامه، متغیرهای مرتبط در زیرگروه‌های جداگانه دسته‌بندی شده و میزان آلفای کرونباخ آنان نیز جداگانه اندازه‌گیری شد تا میزان صحت همسانی در پاسخ‌ها در ابعاد کوچک-تر نیز مورد بررسی واقع شود و میزان قابلیت اعتماد نتایج پرسشنامه افزایش یابد.

یافته‌های پژوهش

حق بر آموزش در اسناد حقوق بشر بین‌المللی و قوانین ایران

آموزش دارای مفهوم عام و خاص است که در مفهوم عام آن شامل همه فعالیت‌های والدین یا یک گروه و یا جامعه، برای کسب «دانش، مهارت و اخلاقیات» به فرزندان و نسل‌های آینده می‌گردد. آموزش در این معنای وسیع شامل رشد جسمی، روانی، معنوی، مدنی و اجتماعی فرد می‌گردد که باعث شکوفایی کامل شخصیت افراد خواهد شد. از همین رو بند (الف) ماده ۱ توصیه‌نامه یونسکو (۱۹۷۴) درباره «آموزش برای تفاهم، همکاری، حفظ صلح بین‌المللی»، خواستار رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی شده است (Ansari, 2013). آموزش به معنای خاص شامل تعلیماتی می‌گردد که توسط یک نهاد آموزشی به‌صورت تعلیمات درسی رسمی در مدارس و توسط آموزگاران واجد صلاحیت درباره موضوعات مشخص صورت می‌گیرد. هدف این مقاله هم بررسی نحوه آموزش محیط‌زیست به دانش‌آموزان مقطع ششم ابتدایی است. اسناد

۱. قابلیت اعتماد یا پایایی پرسشنامه یک آزمون آماری است که حاصل آن یک ضریب به نام آلفای کرونباخ می‌باشد. برای آزمون قابلیت اعتماد یا پایایی پرسشنامه‌ای که به‌صورت طیف لیکرت طراحی شده و جواب‌های آن چندگزینه‌ای می‌باشند، به کار می‌رود.

برای تحقق سایر حقوق بنیادین بشر است و هم‌چنین آموزش دارای نقش حیاتی در ارتقای توجه به حقوق زنان و کودکان در قبال کارهای خطرناک و بهره‌برداری جنسی از آن‌ها، تحقق دموکراسی و حفاظت از محیط‌زیست و کنترل رشد جمعیت است (Asadi & Ziaee Najafabadi, 2012). رایگان و اجباری بودن آموزش در ماده ۲۶ اعلامیه حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است (Habibi Majandeh et al, 2012). ماده ۱۳ و ۱۴ میثاق دوم به‌عنوان مهم‌ترین سند در تبیین حق بر آموزش، خواستار تحقق این حق در همه سطوح آموزشی و به‌گونه‌ای است که منجر به «مشارکت آزادانه افراد در جامعه انسانی، رشد و تعالی فهم و تعقل آن‌ها، تساهل و دوستی بین ملت‌ها و گروه‌های مختلف نژادی، قومی یا مذهبی» گردد (Ghari Seyed Fatemi, 2009). حق کودکان بر آموزش تدریجی و بر پایه فرصت برابر، در ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) موردتوجه قرار گرفته شده است. ایجاد فرصت و امکان برابر در دسترسی به آموزش از طریق اتخاذ روش‌های منطبق بر آداب‌ورسوم ملی دولت‌ها، در ماده ۴ کنوانسیون منع تبعیض در آموزش (۱۹۶۰) به رسمیت شناخته شده است. از همین رو خواستار اتخاذ سیاست ملی در امر آموزش توسط متعاهدین است تا بتواند فرصت و امکان برابری برای بهره‌مندی از آموزش و رفتار مساوی طبق عادات و رسوم خودشان فراهم کند. ماده ۷ اعلامیه اسلامی حقوق بشر (۱۹۹۰) هم حق کودکان در محافظت و تربیت و تأمین مادی و بهداشتی و ادبی آن را بیان و رعایت این حق را وظیفه والدین، جامعه و دولت می‌داند، به‌گونه‌ای که طلب علم و آموزش را وظیفه واجب جامعه و دولت دانسته است. البته به شرطی که این علم‌آموزی برای خیر بشریت به کار گرفته شود. سپس بند (ب) ماده ۹ آن درباره حق هر انسانی برای بهره‌مندی از مؤسسات تربیتی، علاوه بر خانواده در مدرسه و دانشگاه برای پرورش دینی و دنیوی آن‌ها، پرداخته تا از تربیت کامل و متوازن و پرورش شخصیت برخوردار شوند. با توجه به عضویت ایران در این اعلامیه‌ها و میثاقین در این قسمت قوانین ایران را موردبررسی قرار داده‌ایم.

اصل ۳ قانون اساسی ایران درباره «وظیفه دولت برای نیل به اهداف مذکور در اصل ۲ (توجه به کرامت انسانی و آزادی توأم با مسئولیت او)، به‌خصوص از طریق آموزش و ارتقای سطح آگاهی‌های عمومی و نفی هرگونه تبعیض و ناعدالتی» است. سپس در اصول ۱۹ و ۲۰ تأکید بر کرامت انسانی و برابری همه انسان‌ها در بهره‌مندی از این حقوق می‌نماید. منع

اضرار به غیر و منع اسراف و تربیت افراد ماهر برای توسعه و پیشرفت اقتصادی کشور در بندهای ۵ تا ۷ اصل ۴۳ مورد تأکید قرار گرفته است. اصل ۵۰ درباره ضرورت توجه و اهمیت به محیط‌زیست است. اصل ۱۵۳ هم درباره ممنوعیت هرگونه قراردادی است که باعث سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و امور اقتصادی و دیگر شئون کشور گردد. بدین ترتیب می‌توان بیان داشت که وظیفه مشترک ملت و دولت، حفاظت از محیط‌زیست از آلودگی و سلطه بیگانه است تا ارتقای وضعیت اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه و در نهایت توسعه پایدار محقق گردد؛ این موارد هم از طریق آموزش صحیح به دانش‌آموزان می‌تواند منتقل گردد؛ زیرا انسان بیشترین سهم را در تغییر و تحول محیط‌زیست دارد که با آموزش مناسب او می‌توان مانع ایراد آسیب و صدمه غیرقابل جبران و بلندمدت به محیط‌زیست شد. از همین رو اعلامیه استکهلم اولین سند بین‌المللی است که به تأثیر انسان بر محیط‌زیست به‌عنوان حق فردی همه انسان‌ها برای بهره‌مندی از محیط‌زیست سالم پرداخته است (Molayi, 2007). با صنعتی شدن جامعه بشری عمر انسان‌ها طولانی شد، ولی فناوری نتوانست مانع پرخاشگری و زیاده‌خواهی انسان‌ها گردد (Kroll, 2004). برای کنترل این روند نیازمند قانون‌گذاری و آموزش این قوانین هستیم، ولی قوانین موجود در سطح بین‌المللی و در ایران دچار «پراکندگی مقررات، گستردگی و هم‌پوشانی با سایر موضوعات» است. برخی از قوانینی که ضروری است درباره آن‌ها به کودکان و دانش‌آموزان در راستای حفاظت از محیط‌زیست آموزش داده شود، عبارت‌اند از: الف) اصل ۵۰ قانون اساسی که تأکید بر حفاظت از محیط‌زیست برای نسل امروز و آینده به‌عنوان یک وظیفه عمومی می‌کند و هرگونه فعالیتی را که باعث آلودگی محیط‌زیست شود، منع می‌سازد. ب) مواد ۱۴۱ تا ۱۴۵ قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰ که درباره احیاء اراضی موات است. ج) سایر قوانین ایران در ارتباط با محیط‌زیست که شامل قانون صید و شکار (۱۳۴۶)، قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست (۱۳۵۳)، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا (۱۳۷۴) و قانون مدیریت پسماندها (۱۳۸۳) است. د) قانون پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین که در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی پیش‌بینی شده است.

البته بیشتر این قوانین جنبه توصیفی داشته و در بسیاری از آن‌ها به لزوم حفظ محیط‌زیست و ارتباط آن با زندگی شهروندان پرداخته نشده است و حتی از نظر ضمانت اجرایی

تا جامعه جهانی بتواند به سمت توسعه پایدار گام بردارد. این هدف می‌تواند از طریق آموزش‌های لازم برای دستیابی علمی و عملی به محیط‌زیست سالم و توسعه پایدار در جوامع ملی محقق گردد (Alipoor & Sadeghi, 2017). اکثر آلودگی‌های محیط‌زیست ناشی از ناآگاهی و عدم توجه انسان‌ها به محیط اطراف خود و بالأخص خودخواهی و زیاده‌خواهی انسان، عدم پایبندی به اخلاق زیست‌محیطی و ارزش‌ها و آداب‌ورسوم ملی برای احترام به محیط‌زیست است. از همین رو با آموزش حفاظت از محیط‌زیست به دانش‌آموزان مقطع ششم ابتدایی می‌توان باعث کاهش آلودگی محیط‌زیست شد و مطمئناً بر رفاه و توسعه اقتصادی و اجتماعی نسل‌های بعدی تأثیرات مثبتی خواهد گذاشت. امروزه ما با آلودگی بی‌رویه آب، هوا، خاک و حتی فضای ماورای جو، با انواع مختلفی از زباله‌های ناشی از فعالیت انسان‌ها مواجه هستیم. برای حفاظت نظام‌مند از محیط‌زیست یک سری اصول زیست‌محیطی وجود دارند که در آموزش محیط‌زیست باید مدنظر قرار گیرند. این اصول عبارت‌اند از: «اصل حاکمیت بر منابع طبیعی، اصل تعهد به همکاری، اصل اطلاع‌رسانی و کمک در مواقع بروز حوادث زیست‌محیطی نظیر (سیل و آتش‌سوزی و غیره)، اصل حمایت و حفاظت از محیط‌زیست، اصل پرداخت آلوده‌ساز، اصل جلوگیری و اصل احتیاطی».

یکی از مهم‌ترین علل آلودگی محیط‌زیست در عصر معاصر مربوط به گازهای گلخانه‌ای است که انسان در تولید آن نقش زیادی دارد. این گازها باعث افزایش دمای زمین و تغییرات آب‌وهوایی می‌شوند و ناشی از تولید بی‌رویه گازهای «دی‌اکسید کربن، متان، اکسید نیتروژن و گازهای خانواده فلوراید» هستند (OECD, 2009). طبق ارزیابی کارگروه بین‌دولتی تغییرات آب‌وهوایی سازمان ملل، علل اصلی افزایش تولید گازهای گلخانه‌ای عبارت‌اند از: «سوختهای فسیلی، تولید گاز متان و اکسید نیتروژن، تخریب جنگل‌ها و فضای سبز» که باعث کاهش میزان تولید اکسیژن می‌گردند (UNEP, 2009). برخی از پیامدهای زیست‌محیطی افزایش تولید گازهای گلخانه‌ای شامل «افزایش دمای زمین، ذوب شدن یخ‌های قطبی، بالا آمدن سطح آب اقیانوس‌ها، زیرآب رفتن سواحل، افزایش تبخیر آب شیرین و افزایش حوادث غیرمترقبه (نظیر سیل، طوفان و شیوع بیماری‌های واگیردار مثل آنفولانزا، کرونا و مالاریا)، افزایش فشار بر صفحات تکتونیک زمین و بروز زلزله‌های بیشتر» می‌گردد. این موارد مطمئناً اثرات نامطلوبی بر کشاورزی، بهداشت، سلامت، تهیه

نیاز به بازبینی و ایجاد تناسب با زمان حاضر را دارد که امری ضروری و دارای فوریت است. در اکثر قوانین مذکور تمرکز بیشتر بر روی وظایف سازمان‌های دولتی است تا وظایف شهروندی، هم‌چنین بیشتر معطوف به نحوه صدور آیین‌نامه‌های مربوطه است تا شرح وظایفی که شهروندان نیز متقابلاً نسبت به محیط‌زیست بر عهده دارند و تنها به ذکر اصل ۵۰ قانون اساسی اکتفا شده و ارتباط حقوق و مسئولیت‌های شهروندی و لزوم آن در قبال حفظ محیط‌زیست مورد شناسایی قرار نگرفته است.

از طرفی در گزارش توسعه انسانی (۲۰۰۰) بیان گردید که حقوق بشر و محیط‌زیست دارای وابستگی متقابل هستند. به‌گونه‌ای که کیفیت محیط‌زیست باعث تأثیرات غیرقابل‌انکار بر وضعیت حقوق اجتماعی و اقتصادی جامعه بشری می‌گردد. چون محیط‌زیست سالم شرط بنیادین تحقق حق حیات و سایر حقوق بنیادین بشر دانسته شده است (Molayi, 2007). بدین ترتیب می‌توان بیان داشت که نکته مهم درباره حق بر آموزش و بالأخص آموزش محیط‌زیست این است که دارای ماهیتی چندوجهی و فرا نسلی است و درعین حال در زمره حقوق فردی و حقوق جمعی نظیر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، از حقوق بنیادین بشر محسوب می‌گردد که در قسمت بعدی بررسی شده است.

حق بر محیط‌زیست سالم

به‌طور کلی بهره‌مندی از محیط‌زیست سالم از ملزومات تضمین حق حیات است که در اسناد حقوق بشری به رسمیت شناخته شده است. ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۳۱ اعلامیه حقوق بشر، اصل ۲۲ قانون اساسی تأکید بر این دارند که حق حیات یکی از حقوق بنیادین بشر است (Mohammadi Alamooti et al, 2017). لذا می‌توان بیان داشت بند ۱ ماده ۱ منشور هم که تأکید بر حفظ صلح و امنیت بین‌المللی دارد و بند ۳ ماده ۲ منشور که خواستار حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات است و بند ۴ همین ماده درباره منع توسل به زور، درصدد حمایت از حق حیات بشر به‌طور غیرمستقیم هستند.

امروزه جهانی‌شدن، مرز کشورها را درنوردیده است و با نفوذپذیر کردن حاکمیت دولت‌ها، جامعه بین‌المللی به یک دهکده جهانی تبدیل شده است. در دهه‌های اخیر، بشر با آلودگی بی‌رویه محیط‌زیست مواجه گردیده و برای برقراری تعادل لازم در طبیعت، انسان ناگزیر به تغییر شیوه زندگی است

مواد غذایی، رفاه، امنیت و سایر امور اقتصادی و اجتماعی در سراسر جهان خواهد داشت (Bodaghpoor & Khalilzadeh, 2008). از همین رو آموزش استفاده بهینه و عدم اسراف در بهره‌مندی از منابع طبیعی زمین و کاهش تولید زباله و بالأخص گازهای گلخانه‌ای، تأثیر زیادی بر حفاظت از محیط‌زیست از ابتدای سن درک مسائل زیست‌محیطی و توان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان یعنی مقطع ششم ابتدایی خواهد داشت.

لازم به ذکر است که در طی این سال‌ها مقررات حقوق بشری هم تحولات زیادی یافته‌اند؛ به‌گونه‌ای که در ابتدا نسل اول حقوق بشر مطرح گردید که تأکید بر ضرورت رعایت حقوق مدنی و سیاسی یا حقوق و آزادی‌های بشر دارد. پس‌از آن نسل دوم حقوق بشر مورد توجه جامعه بین‌المللی قرار گرفت که درباره ضرورت رعایت حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یا حقوق برابری انسان‌ها است. امروزه نسل سوم حقوق بشر تحت عنوان حقوق همبستگی مطرح گردیده است که شامل چهار حق مرتبط «حق بر صلح، حق بر توسعه، حق بر محیط‌زیست سالم و حق بر میراث مشترک بشریت» می‌گردد (Shestak, 2001). از طرفی ارکان حق بر محیط‌زیست عبارت است از: «حق دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی، حق مشارکت در اتخاذ تصمیمات زیست‌محیطی، حق بر آموزش مسائل زیست‌محیطی و حق دسترسی به مراجع اداری و قضائی از جمله مجازات آلوده‌سازها و جبران خسارت زیست‌محیطی» (Eftekhar Jahromi, 2003). بدین ترتیب می‌توان بیان داشت آموزش محیط‌زیست به دانش‌آموزان مقطع ششم ابتدایی می‌تواند در راستای تحقق «حق مشارکت در تصمیم‌سازی امور زیست‌محیطی، حق بر برخورداری از اطلاعات زیست‌محیطی و حق بر آموزش محیط‌زیست» باشد. بدین ترتیب منابع طبیعی کره زمین می‌توانند فرصت تجدید حیات پیدا نموده و بشر از آلودگی غیرقابل برگشت محیط‌زیست تا حدی نجات پیدا کند. هدف غایی حق بر محیط‌زیست سالم نیز برخورداری از شرایطی است که تصمیمات انسان در جنبه‌های مختلف زندگی به‌گونه‌ای باشد که زندگی و بقای نسل امروز و آینده را با چالش‌های جدی حیاتی روبرو نسازد و بقای آن را تضمین نماید.

شاخصه‌های آموزش محیط‌زیست

برای بهره‌مندی از آموزش محیط‌زیست مؤثر باید توجه شود که آموزش و پرورش به‌عنوان متولی نهادینه کردن حفاظت از

محیط‌زیست در بین دانش‌آموزان برای دستیابی به نتیجه مطلوب و تحقق حق بر آموزش محیط‌زیست باید شاخصه‌هایی را مدنظر قرار دهد که عبارت‌اند از: الف) سیاست‌گذاری‌های آموزشی که در این میان آن دسته موفق و مؤثر خواهد بود که موجب خودآگاهی افراد بشود (Eslami & Ajeli Lahiji, 2016). بدین مفهوم که سبب شود دانش‌آموزان، نه تنها به‌عنوان دریافت‌کننده، بلکه به‌عنوان فاعلانی آگاه به‌نوعی آگاهی عمیق درباره واقعیات اجتماعی و فرهنگی محیط زندگی خودشان دست یابند و برای تغییر این واقعیات توانا شوند. ب) ترویج فرهنگ حفاظت از محیط‌زیست که باید در شیوه زندگی فردی، تعاملات اجتماعی و نظام‌های آموزشی هر مقطع تحصیلی و باورهای افراد متجلی گردد (Majdzadeh, 2011). از همین رو آموزش محیط‌زیست می‌بایست از مقاطع اولیه تحصیلی نظیر پایه ششم ابتدایی شروع گردد تا راهکارهای حفاظت از محیط‌زیست و کاهش آلودگی و زباله-سازی، برای دانش‌آموزان نهادینه گردد؛ زیرا فرهنگ‌سازی اکتسابی است و در تعامل با اجتماع و طبیعت شکل می‌گیرد. ج) توجه به توسعه پایدار به‌گونه‌ای که در گزارش براتلند بیان شده است؛ بدین مفهوم که توسعه‌ای پایدار خواهد بود که نیازهای جامعه کنونی را برطرف کند، ولی اختلالی در توانایی نسل‌های آینده برای بهره‌مندی از همین منابع طبیعی ایجاد نکند (Kiss, 2000). به عبارتی مقدمه توسعه‌یافتگی در امور اجتماعی و اقتصادی، حفاظت از محیط‌زیست است که از طریق آموزش محیط‌زیست، مهارت‌آموزی لازم و افزایش آگاهی‌های عمومی می‌تواند محقق گردد (Ramezani, 2013). د) آموزش محیط‌زیست مؤثر باید بتواند رویکرد فرد تعلیم‌گیرنده را به ارزش‌ها و انگیزه‌های محیط‌زیستی تغییر دهد و باعث تقویت مسئولیت‌پذیری در قبال محیط‌زیست گردد (Azizi et al, 2012). به عبارتی افراد دارای تحصیلات و آگاهی‌های زیست‌محیطی بیشتر، رفتار محیط‌زیستی مسئولانه‌تری دارند. ه) آموزش در تمام شیوه-های آن و در همه سنین باید دربردارنده ویژگی‌های بنیادین «قابلیت دسترسی، قابلیت دستیابی، قابلیت پذیرش و قابلیت تطبیق با آداب‌ورسوم ملی آن جامعه» باشد (CESC, 1999). بدین ترتیب حق بر آموزش (از جمله آموزش محیط‌زیست) تنها حقی است که برخی از ویژگی‌های آن در هر سه نسل حقوق بشر (حقوق مدنی و سیاسی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حقوق همبستگی) دارای اهمیت زیادی

با توجه به مطالب بیان شده، برای برنامه‌ریزی و آموزش حفاظت از محیط‌زیست به دانش‌آموزان مقطع ششم ابتدایی باید ابتدا سن دانش‌آموزان در نظر گرفته شود و با توجه به علائق این گروه سنی، کتب و طرح درسی دقیقی تدوین و آموزش داده شود. چراکه برنامه‌ریزی دقیق و سرمایه‌گذاری مناسب در حوزه آموزش باعث تربیت شهروندان آگاه، متفکر و توسعه محور می‌گردد و می‌توانیم در راستای اهداف توسعه ملی و جهانی به‌طور مسئولانه گام برداریم. از طرفی توسعه یک فرایند همه‌جانبه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که هدف آن بهبود مستمر رفاه کل جامعه است و توسعه پایدار، تعادل بین انسان‌محوری و زیست‌محوری است. به عبارتی ضرورت آموزش حفاظت از محیط‌زیست به دانش‌آموزان مقطع ششم ابتدایی به دلیل نفعی است که برای انسان دارد و دیگر این‌که انسان هم مانند سایر موجودات زنده است و نمی‌تواند طبیعت را از بین ببرد و خود را نسبت به آن دارای مالکیت تام بداند.

اهداف آموزش محیط‌زیست

امروزه جهان با وضعیت بحران زیست‌محیطی به دلیل انتشار بی‌رویه گاز دی‌اکسید کربن، گرمایش کره زمین و بحران کمبود آب مواجه است. این امر باعث افزایش موارد گرسنگی و قحطی و از دست رفتن زیستگاه‌های موجودات زنده خواهد شد. در اصل ۴ اعلامیه ریو بیان شده است که حفاظت از محیط‌زیست جزء جدایی‌ناپذیر توسعه پایدار است. از همین رو انگیزه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی باید به‌طور متقابل از همدیگر حمایت کنند (Pearce, 2012). هدف توسعه پایدار عبارت است از: «پیشگیری از تشدید فقر، ارتقای سلامت بشر، کاهش شکاف بین کشورهای فقیر و غنی و حفاظت از محیط‌زیست». این اهداف با درک شاخص‌های زیست‌محیطی توسعه پایدار نظیر «درک ارزش محیط‌زیست برای حفظ حیات بشر و سایر موجودات زنده، تضمین بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی، تعادل توسعه در ابعاد مکانی، زمانی و اجتماعی و توجه به برابری درون نسلی و بین نسلی (عدم تحمیل هزینه زندگی نسل حاضر بر آیندگان)» محقق می‌گردد (Ramezani Ghavamabadi & Shafiqfard, 2016). به عبارتی می‌توان محیط‌زیست را میراث مشترک بشریت دانست و اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت، تأکید بر مسئولیت کشورها برای حفاظت از محیط‌زیست با توجه به توانایی فنی و اقتصادی‌شان برای برطرف کردن مشکلات

برای اجرایی شدن آن‌ها است. به عبارتی حق بر آموزش یکی از حقوق ایجابی مثبت است که با دخالت دولت می‌تواند به‌خوبی محقق گردد. البته با توجه به رعایت اصل عدم تبعیض و به‌صورت تدریجی و فیزیکی این دسترسی به آموزش باید برای همه فراهم گردد؛ از طرفی این آموزش باید به‌گونه‌ای طراحی شود که توسط تعلیم‌گیرندگان قابلیت پذیرش داشته باشد (Habibi Majandeh et al, 2012). بدین مفهوم که بین محتوای آموزشی با ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، زبان و سن دانش‌آموزان تناسب داشته باشد. از طرفی این آموزش باید قابلیت انعطاف داشته و با مقتضیات جامعه و نیازهای اجتماعی دانش‌آموزان تعلیم‌گیرنده سازگاری داشته باشد. از نظر نگارنده، زمان آموزش و به عبارتی حداقل و حداکثر سن آموزش مناسب برای ارائه آموزش محیط‌زیست، دوره ششم ابتدایی است. چون علاوه بر این‌که توان مسئولیت‌پذیری را پیدا کرده‌اند، هنوز در دوره آموزش اجباری قرار دارند؛ و **مکان** آموزش محیط‌زیست در وهله اول خانواده و دوستان است که به‌طور غیررسمی این آموزش صورت می‌گیرد، پس از آن برای آموزش رسمی بهترین مکان مدرسه و کتب درسی است. چون دانش‌آموزان با دقت بیشتری مورد ارزیابی و کنترل آموخته‌هایشان قرار می‌گیرند. از همین رو کمیته حقوق کودک اعلام کرده است که مصالح عالی‌ه دانش‌آموزان (کودک) نظیر اجتماعی شدن و تعامل با سایرین ایجاب می‌کند تا آموزش کودکان در مدرسه صورت بگیرد (Ansari, 2013). به عبارتی تعلیم‌گیرندگان در مدرسه، آموزش رسمی را از کتب درسی و آموزش غیررسمی را از تعامل با همسالان و آموزگاران خود فرامی‌گیرند.

چهار هدف کلی که در آموزش محیط‌زیست باید با دقت موردتوجه قرار گیرند عبارت‌اند از: **الف)** شکوفا کردن شخصیت و استعداد دانش‌آموزان؛ **ب)** آموزش دانش‌آموزان می‌بایست سبب تربیت افرادی مفید برای جامعه گردد و مانع تبدیل شدن آن‌ها به افرادی صرفاً مصرف‌کننده شود، بالأخص اینکه مانع تبدیل شدن آن‌ها به افرادی منفعل و بی‌تفاوت در قبال محیط‌زیست گردد؛ **ج)** باعث ترویج فهم متقابل دانش‌آموزان نسبت به صلح و دوستی میان همه ملت‌ها و سبب همکاری در حفاظت از محیط‌زیست با کاهش تولید زباله‌ها گردد؛ **د)** باعث افزایش احترام آنها نسبت به محیط‌زیست شود زیرا یکی از مهم‌ترین ارزش‌های بشری حق بر محیط‌زیست سالم است تا توسعه اقتصادی کشورها از هرجهت پایدار باقی بماند (CRC, 2001).

دفتر آموزش محیط‌زیست در این سازمان شروع شد. پس‌از آن به ترتیب با ایجاد و تأسیس آموزش‌سکده حفاظت از محیط‌زیست کرج (۱۳۵۱)، مرکز هماهنگی مطالعات محیط‌زیستی (۱۳۵۲)، دانشکده منابع طبیعی تهران و گرگان (۱۳۶۲)، دانشکده محیط‌زیست دانشگاه تهران (۱۳۷۴) ادامه یافت. از سال ۱۳۸۷ نیز، دانشگاه پیام نور در مقطع کارشناسی ارشد و از سال ۱۳۹۱ در مقطع دکتری در رشته آموزش محیط‌زیست دانشجو می‌پذیرد. از طرفی سهم ایران از ۴۰ هزار مدرسه سبز در سراسر جهان، در حدود ۲۷ مدرسه است (Hemati & Shobeiri, 2016). انسان و محیط‌زیست نام واحد درسی جدیدی است که از ابتدای سال تحصیلی ۹۶-۹۷ به مقطع تحصیلی پایه یازدهم افزوده شده است که مبادرت به معرفی سرمایه‌های طبیعی و راهکارهای استفاده درست و حفاظت از طبیعت می‌نماید و مباحثی نظیر «آب، خاک، هوا، انرژی، زباله، تنوع زیستی و گردشگری» را در برمی‌گیرد؛ اما فقط به بیان بدیهیات بسنده کرده و کمتر به راهکارها و مسئولیت زیست‌محیطی دانش‌آموزان و راه‌حل‌های استفاده پایدار از محیط‌زیست پرداخته است. در برنامه چهارم توسعه هم برای حفاظت از محیط‌زیست، آیین‌نامه اجرایی تهیه‌شده که در مرداد ۱۳۸۵ به تصویب هیات وزیران رسید و به همه وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها ابلاغ شده است. این آیین‌نامه خواستار تشکیل کارگروهی فرابخشی است تا اهداف فرهنگی حفاظت از محیط‌زیست، برنامه‌ریزی و در سطوح مختلف آموزش رسمی و غیررسمی را مدنظر قرار دهد. در نهایت برنامه جامع آموزش همگانی محیط‌زیست در خرداد ۱۳۸۸ ابلاغ گردید.

در حال حاضر محتوای کتاب علوم تجربی مقطع ششم ابتدایی مبادرت به تعریف مواد طبیعی و مصنوعی، چگونگی تبدیل چوب به کاغذ و بازیافت زباله کرده است و به موضوعات مختلف مرتبط با حفاظت از محیط‌زیست نظیر خاک، آب، هوا، حیات جانوران و تغییرات آب‌وهوایی می‌پردازد؛ اما فاقد راهکارهایی برای انجام فعالیت‌های میدانی و عملی است (Ebrahimi Ghavam & Moghanaki, 2008). درحالی‌که هدف آموزش محیط‌زیست باید ایجاد تفکری نقادانه باشد که شامل ایجاد عمدی فعل جدیدی است تا این‌که دانش‌آموزان بتوانند فرایند و شیوه تفکر خود را عوض یا اصلاح کنند یا آن را دوباره بسازند. این نوع تفکر با ایجاد مدل‌های تجسمی و انگیزه و شور ناشی از تجربه واقعی، اجازه و تشویق پرسشگری، جمع‌آوری اطلاعات و ارزیابی آن‌ها می‌تواند محقق گردد (Lak & Shariatpanah, 2017). چون تفکر نقادانه

زیست‌محیطی دارد (Abdolahi & Moarefi, 2010). به نظر نگارنده بهترین راهکار در حال حاضر آموزش محیط‌زیست به دانش‌آموزان مقطع ششم ابتدایی است تا رفتار مطلوب با محیط‌زیست به‌تدریج در نسل بعدی نهادینه گردد؛ زیرا یکی از اهداف آموزش محیط‌زیست به این دانش‌آموزان، تربیت دانش‌آموزانی «خالق، نقاد، مسئول و متعهد» است. بدین ترتیب برای تربیت دانش‌آموزانی مسئول و آگاه باید این دانش‌آموزان را به مطالعه و تحلیل انتقادی از وقایع زیست‌محیطی جامعه خودشان سوق داد تا بتوانند مهارت‌های زندگی و سازگاری با محیط را در هر موقعیت زمانی و مکانی آموخته و تجزیه و تحلیل متفاوتی برای حل مشکلات زیست‌محیطی داشته باشند. با آموزش محیط‌زیست آن‌ها با حقوق و وظایفشان در قبال اجتماع و محیط‌زیست آشنا می‌شوند. از طرفی هر انسانی با عقل خودش امکان شناخت صحیح را کسب می‌کند و با اراده و مصمم، توانایی انجام دادن رفتار صحیح را می‌یابد. از طرفی فلسفه تربیتی قرآن و اسلام این است که همواره انسان‌ها را به تفکر در خلقت آسمان‌ها و زمین و همه موجودات دعوت می‌کند که بیانگر نقش عقل و تفکر به‌عنوان رسول باطنی در پرورش شخصیت انسان‌ها است. درنهایت توسعه‌ای پایدار خواهد بود که باعث همبستگی ملی و بین‌المللی و باعث دستیابی به عدالت زیستی شود. به‌گونه‌ای که حفاظت از محیط‌زیست تبدیل به یک عادت و یک باور ذهنی گردد.

لزوم آموزش محیط‌زیست به مقطع ششم ابتدایی

مقطع ششم ابتدایی در ایران مقارن با ابتدای دوران بلوغ و نوجوانی دانش‌آموزان است. دانش‌آموزان از این مقطع تحصیلی مفاهیم علت و معلولی، اعداد، حرکات، زمان و مکان به‌طور دقیق‌تری درک می‌کنند. از طرفی میزان و معیار تازه‌ای برای سنجیدن صفات پسنیدیده را کسب می‌نمایند (Poorzahir, 2019). به عبارتی رفتار دانش‌آموزان از این سن با ارزش‌هایی که در میان افراد یک جامعه معتبر هستند، موردسنجش قرار می‌گیرد و برای کسب مقبولیت بیشتر در جامعه، تمایل و انگیزه بیشتری برای تطبیق با قوانین و معیارهای اجتماعی دارند. این دانش‌آموزان در استدلال بیانات فرضی به دلیل رشد عقلی بیشتر توانایی دارند و می‌توان آن‌ها را برای تفکر انتقادی و خلاق پرورش داد. چون در این سن عمل یادگیری بهتر صورت می‌گیرد و ایجاد تغییر کمابیش دائمی، در رفتار بالقوه یادگیرنده ناشی از تجربه اخیر او، ساده‌تر است. آموزش محیط‌زیست در ایران از سال ۱۳۵۰ با تأسیس سازمان محیط‌زیست و ایجاد

داده‌ها و نتایج پرسشنامه

به‌منظور بررسی وضعیت شناخت و آگاهی دانش‌آموزان مقطع ششم ابتدایی در ایران از (حقوق شهروندی خود و محیط‌زیست و حفاظت از آن)، پژوهشی میدانی با تنظیم پرسشنامه انجام گرفته شد؛ این پرسشنامه در ارتباط با میزان آشنایی و آگاهی دانش‌آموزان از حقوق شهروندی و محیط‌زیست و شناخت و عملکرد آن‌ها از حق و مسئولیت خود به‌عنوان شهروند در قبال جامعه و محیط‌زیست و تأثیرات عمل ایشان بر جامعه و محیط‌زیست، هم‌چنین میزان شناخت و دیدگاه آنان از عملکرد شهروندی و محیط‌زیستی آموزگاران و والدین ایشان می‌باشد که در رابطه با نحوه دریافت این آگاهی و شناخت شهروندی و محیط‌زیستی از سیستم آموزشی کشوری و افراد مرتبط با این آموزش‌ها در مدرسه و خانواده دانش‌آموزان است. جهت بررسی روایی و اعتبار متغیرهای پژوهش از روش اعتبار صوری و روش آلفای کرونباخ مدد گرفته شده است. در خصوص پرسشنامه می‌توان نکات ذیل را بیان داشت:

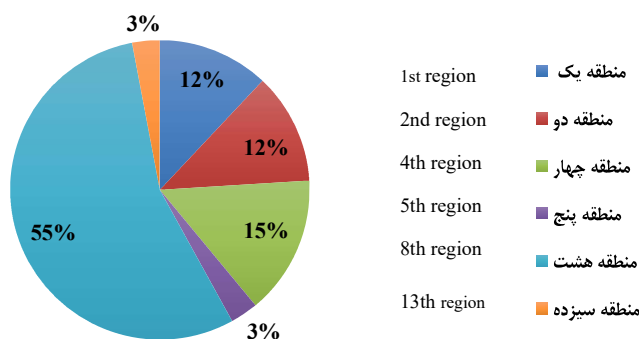
۱. در مهرماه ۱۳۹۸ پرسشنامه‌ای ۵۰ سؤالی و سه گزینه‌ای طراحی و تدوین گشت و در اختیار دانش‌آموزان مقطع ششم ابتدایی قرار گرفت که هدف آن ارزیابی میزان آشنایی و آگاهی دانش‌آموزان از محیط‌زیست بود.
۲. با استفاده از جدول مورگان و فرمول کوکران حجم نمونه برابر با ۳۸۴ دانش‌آموز از بین ۱۳۳۰۸۰۱ نفر در حال تحصیل در مقطع ششم ابتدایی در سراسر کشور تعیین گردید و برای افزایش اطمینان نظرسنجی، حجم نمونه به ۴۰۰ نفر افزایش یافت.
۳. نمونه‌گیری به روش تصادفی ساده بود و پاسخگویی دانش‌آموزان به پرسشنامه از طریق گوگل فرم به‌صورت اینترنتی انجام شد.
۴. تجزیه و تحلیل داده‌های آماری با نرم‌افزار اس.پی.اس.اس (spss) و اکسل (excel) و نرم‌افزار آنلاین «کافه پردازش» صورت گرفت.
۵. جهت بررسی روایی و اعتبار متغیرهای پژوهش از روش اعتبار صوری و روش آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آلفای کرونباخ در بین تمامی ۵۰ گویه در نمونه مقدماتی پرسشنامه ۰/۹۹۲ و در نمونه نهایی ۰/۹۹۵ است (میزان پایایی پرسشنامه مطلوب است).
۶. از نظر توزیع جنسیت ۶۷/۵ درصد پاسخگویان دختر و ۳۲/۵ درصد آن‌ها پسر هستند.

نوعی ورزش ذهنی است که فواید آن عبارت‌اند از: «الف) فرد در مناسبات فردی و اجتماعی موفق‌تر می‌گردد. ب) قدرت انتخاب و استقلال عمل فردی افزایش می‌یابد. ج) توانایی خوب شنیدن و کسب اطلاعات را پیدا می‌کند. د) با صبر و حوصله‌تر می‌شود و از برخورد تند با دیدگاه‌های مخالف و مختلف می‌تواند پرهیز کند. ه) آمادگی روحی لازم برای پذیرش ایده‌های جدید را پیدا می‌کند؛ و) از همه مهم‌تر این‌که توانایی استقامت در برابر امپراتوری‌های تبلیغاتی غول‌های اقتصادی و ایدئولوژی‌های فریبنده را می‌یابد. ز) قدرت تشخیص و انتخاب کسب می‌کند، چون سواد بیانگر مهارت تعامل به‌دوراز القائات بیرونی، آگاهانه و مختارانه با جهان است. ح) تمایل به مشارکت، همدلی، تعاون، تفکر شخصی و مستقل، ایده‌پردازی، مسئولیت‌پذیری و نفع جمعی افزایش می‌یابد. ط) باعث تشویق به فکر کردن و بروز خلاقیت و نوآوری، ایجاد انگیزه و شوق یادگیری، گردآوری مطالب جدید، سوق پیدا کردن به سمت تفکر منطقی، برخورداری از امکان انتخاب و داوری مستقل و آگاهانه درباره اطلاعات دریافتی و در نهایت کسب حس ارزشمندی در مدرسه، خانواده و اجتماع می‌گردد».

هم‌چنین پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «دانشی که در کودکی کسب شود، همچون نگاره‌ای بر سنگ پایدار خواهد ماند». لذا آموزش محیط‌زیست به دانش‌آموزان مقطع ششم ابتدایی و از طریق مباحثه استدلالی، آزادی گفت‌وگو، مشورت و مشارکت حداکثری دانش‌آموزان باعث ایجاد تفکر انتقادی در آن‌ها می‌گردد و در نهایت خلاقیت آن‌ها شکوفا می‌شود تا این‌که همواره همکاری را بر رقابت ترجیح دهند. لازم به ذکر است تأکید بر امر به معروف و نهی از منکر در اسلام نیز مبین ضرورت و ارتباط حق بر آموزش و حق بر محیط‌زیست است، در این خصوص آیت‌الله مطهری بیان داشته‌اند: «امر به معروف و مصداق دفاع از حقوق انسان‌ها است که باید مقدس شمرده شود» (Motahari, 2005). از همین رو باید توجه کنیم در راستای حمایت و دفاع از حقوق انسان، چه امر به معروفی ارزشمندتر از دعوت به شناخت حقوق فردی و جمعی شهروندان در قبال محیط‌زیست و شناساندن راهکارهای عملی حفاظت از آن؛ و چه نهی از منکری، مطلوب‌تر از انذار و آگاهی‌رسانی به خاطیان و ناقضان و ناآگاهان آلوده‌کننده محیط‌زیست. چراکه حفاظت از محیط‌زیست حق الناسی ارزشمند است که ضامن حفظ حیات در کره زمین می‌باشد.

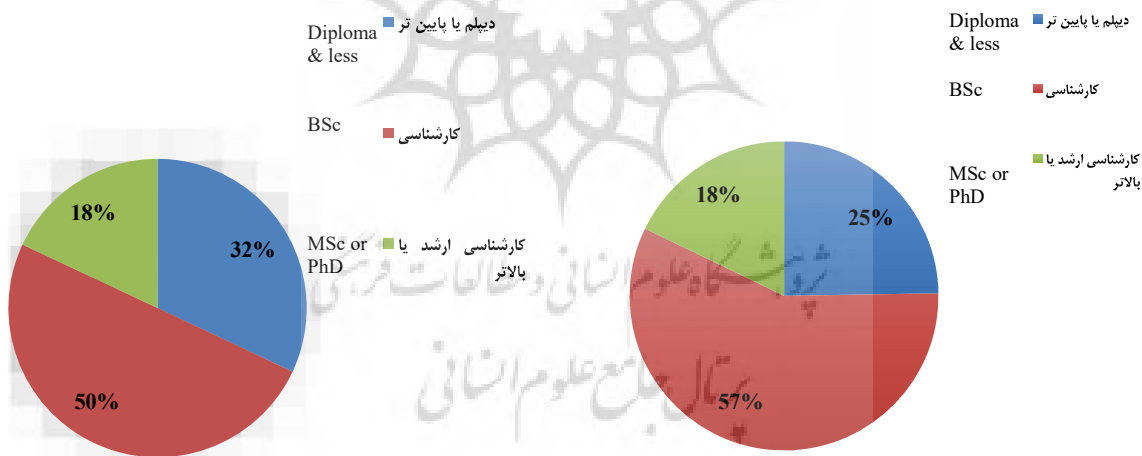
۷. ارزیابی از مناطق تحصیلی یک، دو، چهار، پنج، هشت و سیزده صورت گرفت.

۸. شکل ۱ توزیع منطقه تحصیلی دانش‌آموزان شرکت‌کننده در پرسشنامه را نشان می‌دهد.



شکل ۱. توزیع منطقه تحصیلی دانش‌آموزان
Figure 1. distribution of student's study area

۹. مطابق شکل‌های شماره ۲ و ۳، ۵۷ درصد از پدران و ۵۰ درصد از مادران تحصیلات کارشناسی، ۲۵ درصد پدران و ۳۲ درصد مادران تحصیلات دیپلم یا پایین‌تر و ۱۸ درصد از پدران و مادران تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر داشتند.

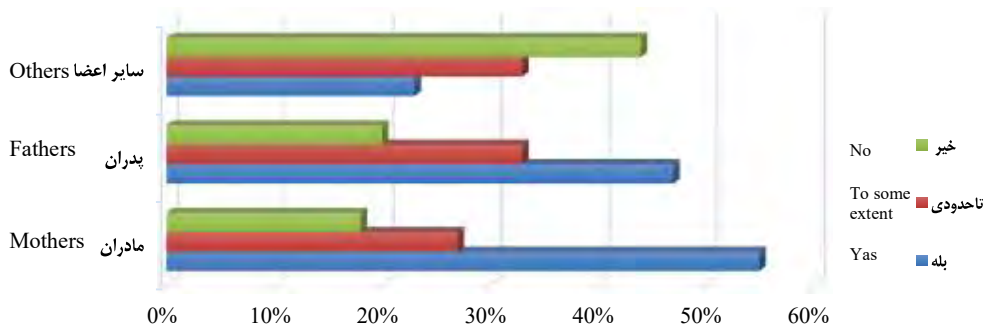


شکل ۲. میزان تحصیلی مادران
Figure 2. Mother's level of education

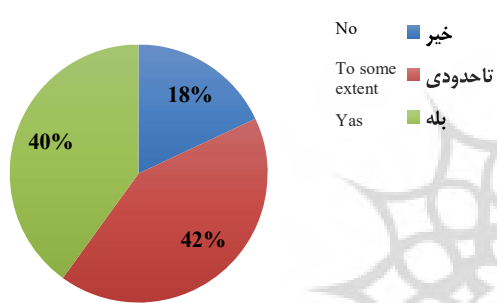
شکل ۳. میزان تحصیلی پدران
Figure 3. Father's level of education

زمینه از خانواده دریافت نمودند، در زندگی فردی و اجتماعی ایشان کاربردی و مؤثر بوده است. شکل ۴ بیانگر این است که از چه اشخاصی این آموزش‌ها را دریافت نموده‌اند.

۱۰. ۴۰ درصد دانش‌آموزان پاسخ دادند که آموزش‌هایی در زمینه حق و وظایف شهروندی از خانواده خود دریافت نمودند. تنها ۳۰ درصد بیان داشتند آموزش‌هایی که در این



شکل ۴. آموزش محیط‌زیست از طریق خانواده
Figure 4. Environmental education through their family



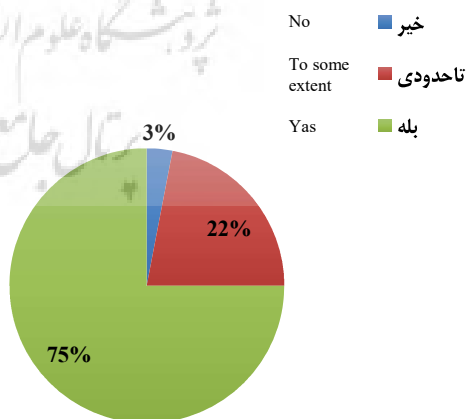
شکل ۶. دریافت آموزش از طریق پدر
Figure 6. Trained by their father

۱۳. ۶۰ درصد دانش‌آموزان بیان کردند که تا به حال مطالعه شخصی و آزاد درباره محیط‌زیست نداشتند و ۳۷/۵ درصد پاسخ دادند که آموزش‌هایی درباره محیط‌زیست از مدرسه دریافت کرده‌اند و فقط ۱۵ درصد از این آموزش‌های دریافتی، عملی و کارکردی بوده است.

۱۴. نتایج حاصل از پرسشنامه بدین شرح است: دانش‌آموزان با وجود قوه تمیز و ادراک مناسب با موضوع، از مفاهیم محیط‌زیستی شفافیت علمی و ذهنی ندارند. آگاهی آنان در این خصوص غیرعلمی، ناکارآمد و غیرمتمرکز است. دانش‌آموزان بر این باورند که علاقه‌مندی ایشان برای یادگیری و شناخت این مفاهیم در سنین پایین‌تر به خصوص مقطع ششم ابتدایی بیشتر است (۷۵ درصد دانش‌آموزان به آموزش در مقطع ششم پاسخ مثبت دادند) و این یادگیری در تقویت احساس مسئولیت اجتماعی و شناخت حقوق و مسئولیت خود، در اجرای حقوق شهروندی و حفاظت از محیط‌زیست اثر بسزایی دارد، همچنان که انگیزه فعالیت اجتماعی و همکاری در اشاعه

۱۱. تنها ۷/۵ درصد آشنایی خود با مفاهیم حقوق شهروندی را از طریق مطالعه شخصی می‌دانستند و ۶۲،۵ درصد این گروه بیان داشتند که این مطالعات شخصی، در زندگی فردی و اجتماعی‌شان به هیچ‌وجه مفید و کارآمد نبوده است.

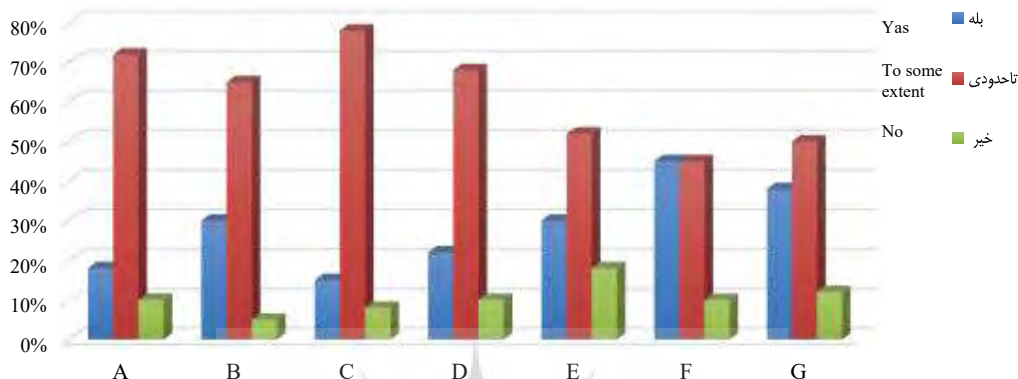
۱۲. طبق شکل شماره ۷۵/۵ درصد دانش‌آموزان علاقه‌مند به آموزش‌های محیط‌زیست بودند که سهم مادران در این آموزش ۵۵ درصد بوده است و شکل شماره ۶، بیان می‌دارد که سهم آموزشی پدران و سایر اعضای خانواده و بستگان هر دو کمتر از ۴۰ درصد بوده است. ۳۰ درصد بیان کردند که آموزش دریافتی از مادران در زندگی فردی و اجتماعی آن‌ها مؤثر بوده است.



شکل ۵. علاقه‌مندی به محیط‌زیست
Figure 5. Interest in environment

یک شهروند بیشتر آشنا شده و در آینده رفتار مسئولانه‌تری از خود بروز خواهند داد).
شکل ۷ میزان آشنایی آموزگاران و والدین با حقوق شهروندی و محیط‌زیست را نشان می‌دهد.

آموزشی و آگاهی‌رسانی در رعایت حقوق و حفظ محیط‌زیست را در آنان افزایش می‌دهد (۷۰ درصد پاسخگویان بر این باور بودند که با یادگیری موضوعاتی چون حقوق شهروندی و محیط‌زیست در مدارس با مسئولیت‌ها و تعهدات خود به‌عنوان



1. Practical & efficient action of the father in environmental protection
اقدام عملی و کارآمد پدر در حفاظت محیط‌زیست
2. Familiarization of the father with citizenship rights
آشنایی پدر با حقوق شهروندی
3. Practical & efficient action of the mother in environmental protection
اقدام عملی و کارآمد مادر در حفاظت محیط‌زیست
4. Familiarization of the mother with citizenship rights
آشنایی مادر با حقوق شهروندی
5. Practical & efficient action of the teacher in environmental protection
اقدام عملی و کارآمد آموزگار در حفاظت محیط‌زیست
6. Familiarization of the teacher with environment
آشنایی آموزگار با محیط‌زیست
7. Familiarization of the teacher with citizenship rights
آشنایی آموزگار با حقوق شهروندی

شکل ۷. میزان آشنایی آموزگاران و والدین

Figure 7. Familiarization of teachers & parents

ناکارآمد بیان داشتند) و اقدام عملی و مشارکت مردمی برای اشاعه این موارد نیز موجود نمی‌باشد (تنها ۲۵ درصد از دانش‌آموزان به کارایی این آموزش‌ها در مشارکت مردمی و بهبود زندگی فردی و اجتماعی پاسخ مثبت دادند) و لزوم ایجاد یک واحد درسی عملی با مضمون حقوق محیط‌زیست، امری است که ضرورت بسیار دارد (۷۲/۵ درصد بر این باور بودند که اگر آموزش‌های مربوطه به‌صورت یک واحد عملی و درسی در مدارس باشد، بالاترین تأثیر در یادگیری و کارایی را خواهد داشت).

بحث و نتیجه‌گیری

برای تحقق حق بر آموزش محیط‌زیست و برخورداری از

در حال حاضر سطح آگاهی عمومی از مفاهیم و مسائل حقوق شهروندی و زیست‌محیطی مؤثر نیست (تنها ۳۷/۵ درصد از دانش‌آموزان پاسخ دادند که اندک آموزش‌های محیط‌زیستی از مدارس خود دریافت نمودند و ۸۷/۵ درصد دانش‌آموزان پاسخ دادند که آموزش‌های درون مدرسه شامل راهکارهای عملی حفاظت از محیط‌زیست و چگونگی این حفاظت نمی‌شود و ۶۰ درصد دانش‌آموزان ابراز نمودند که در صورت آشنایی با حقوق شهروندی و دریافت آموزش‌ها حقوق خود را در جامعه مسئولانه‌تر و آگاهانه‌تر مطالبه خواهند نمود؛ در این میان میزان آشنایی هر سه گزینه آموزگاران، مادران، پدران را در ارتباط با حقوق شهروندی و محیط‌زیست، کمتر از ۵۰ درصد دانستند و آموزش‌های دریافتی از ایشان را ناکافی و

بازکردن درب یخچال، تفکیک زباله‌ها از مبدأ (مدرسه و منزل و محل کار)، استفاده بهینه از کاغذ، توجه به برچسب و علائم درج‌شده بر روی بسته‌بندی محصولات و غیره، می‌توان نسل-های آینده را به شهروندانی آگاه و مسئول و تأثیرگذار بر خانواده و سایر افراد جامعه تبدیل کرد. از طرفی با تکیه بر فضائل اخلاقی نظیر امر به معروف (رعایت بایدهای زیست-محیطی) و نهی از منکر (نبایدهای مخرب محیط‌زیست)، می‌توان به‌طور بهینه و حداکثری در راستای حفاظت از محیط‌زیست، به‌عنوان میراث مشترک همه بشریت و حق-الناسی بی‌نظیر، اقدام کرد. هم‌چنین هم‌زمان با وضع قوانین مرتبط و ضمانت اجرایی‌های مؤثر می‌بایست با پرورش تفکر نقاد و متعهد، شهروندان را به یافتن راهکارهای کم‌هزینه‌تر و نوین در تحقق حقوق شهروندی و حفظ محیط‌زیست و حق بر آموزش ترغیب نمود و با تقویت روحیه مسئولیت فردی، به حفاظت از محیط‌زیست یا منع از ارتکاب جرایم زیست‌محیطی و شهروندی ترغیب نمود که در نتیجه کاهش هزینه‌های اقتصادی ناشی از چالش‌های زیست‌محیطی و حقوقی را خواهیم داشت. به عبارتی می‌توان از طریق آموزش محیط‌زیست، مانع ارتکاب جرایم زیست‌محیطی شد و نسل جوان را با آموزش از مقطع ششم ابتدایی، مطلع و آگاه نمود و توجه آن‌ها را به این موضوع جلب کنیم که همه اقدامات ما انسان‌ها، سازمان‌ها، ادارات و فعالیت‌های کارخانه‌ها و صنایع، می‌بایست دارای پروتکل زیست‌محیطی باشد تا بتوانیم کره زمین و حیات همه موجودات را حفظ بنماییم؛ یعنی با توجه به مسئولیت‌پذیری فردی در رفتار محیط‌زیستی خود تجدیدنظر کنیم و با حساسیت و تعهد بیشتری نسبت به اقدامات فردی و جمعی و تأثیری که بر تمامیت زمین دارد، اقدام عملی داشته باشیم. به‌خصوص در این دوران شیوع ویروس کرونا علاوه بر رعایت پروتکل‌های بهداشتی مربوط به ماسک زدن و رعایت فاصله اجتماعی، نیز باید بدانیم که شیوه مناسب جمع‌آوری زباله‌ها و بازیافت آن‌ها واجد اهمیت بسیار است که البته نیازمند به آموزش، بالأخص از سنین پایین‌تر می‌باشد.

در آخر و در یک جمع‌بندی می‌توان بیان نمود که چالش‌های آموزش محیط‌زیست به دانش‌آموزان مقطع ششم ابتدایی شامل کمبود منابع علمی و پژوهشی (در زمینه حقوق بشر، شهروندی، محیط‌زیست و حق بر آموزش)، نبود آموزش‌های کافی و مؤثر و اولویت‌بندی شده، نبود انگیزه و روحیه مشارکت جمعی در تحقق اهداف کشوری (به دلیل ضعف آموزشی و علمی)، عدم وجود آموزگاران متخصص در حیطه امر و عدم اختصاص

شهروندان مسئول و توسعه پایدار، لازم است که آموزش حفاظت از محیط‌زیست در ایران از سنین پایین‌تر صورت بگیرد به این جهت که شیوه‌های حفاظت از محیط‌زیست و جلوگیری از زباله‌سازی در شهروندان آتی نهادینه گردد. با توجه به یافته-ها و داده‌های پژوهش، اولین گام در تحقق حق بر آموزش محیط‌زیست و بهره‌مندی از توسعه پایدار و محیط‌زیست سالم که از حقوق طبیعی ناشی از کرامت ذاتی انسان می‌باشد؛ برنامه‌ریزی آموزشی و تألیف کتب با مضامین حقوق شهروندی و محیط‌زیستی، به‌منظور آموزش در مقاطع ابتدایی خواهد بود. گام دوم تشویق دانش‌آموزان به تفکر انتقادی جهت پرسشگری از طریق کسب آگاهی و سوق پیدا کردن به سمت گفت‌وگو و مشارکت فعال در حفاظت از محیط‌زیست است. نتایج به‌دست‌آمده از پرسشنامه بیانگر این نکات است: الف) دانش-آموزان مقطع ششم ابتدایی علاقه‌مند به یادگیری شیوه‌های حفاظت از محیط‌زیست از طریق آموزش مفاهیم زیست‌محیطی و دستیابی به اطلاعات و مسئولیت‌پذیری در این خصوص هستند. ب) مشخص گردید سیستم آموزش فعلی، کارایی و تأثیر چندانی در پیشبرد اهداف توسعه پایدار از منظر آموزش حفاظت از محیط‌زیست ندارد، چراکه انگیزه لازم برای مشارکت عمومی و دستیابی به توسعه پایدار همه‌جانبه را ایجاد نمی‌نماید. ج) از نظر دانش‌آموزان، عملکرد و اطلاعات زیست‌محیطی والدین و آموزگاران چندان جامع و کافی نیست و تأثیرات چندان مثبتی بر عملکرد زیست‌محیطی و شهروندی آن‌ها ندارد، چراکه منشأ اطلاعات آن‌ها علمی نیست و نمی‌تواند یکپارچگی لازم در آموزش و حفاظت از محیط‌زیست را برای همه دانش‌آموزان این مقطع تحصیلی ایجاد نماید. به‌طورکلی در این پژوهش سعی شده تا با تشویق آموزش محیط‌زیست به دانش‌آموزان مقطع ششم ابتدایی، اهمیت مسئولیت‌پذیری آگاهانه در پیشبرد اهداف توسعه پایدار، خاطرنشان گردد. چراکه ایجاد آگاهی، علاقه و انگیزه در این گروه سنی می‌تواند تأثیرات زیادی برای همکاری مشترک و نقش‌پذیری اجتماعی آن‌ها داشته باشد. با شناسایی و آموزش ارزش‌های زیست-محیطی همچون حق حیات گیاه، حیوانات، انسان، مسئولیت داشتن در رابطه با اعمال بشر در محیط‌زیست، با ارزش بودن تمام موجودات زنده و لزوم حفاظت آن‌ها و ... شهروندان به‌خوبی توانایی شناسایی و رعایت و اعمال رفتار مسئولانه شهروندی و محیط‌زیستی را دارا خواهند بود. از همین‌رو با آموزش علمی و عملی و نهادینه کردن اقداماتی نظیر خاموش کردن چراغ در روز و هنگام ترک اتاق، عدم تعطل در هنگام

توسعه پایدار صرفاً زمانی محقق می‌شود که ساختارهای فرهنگی و آموزشی لازم به‌عنوان مهم‌ترین عامل و پیش‌نیاز به وجود آید.

ساعات آموزشی کافی و مؤثر، نبود واحدهای درسی که به محیط‌زیست جهت تحقق حقوق بشر، توسعه پایدار، حفظ محیط‌زیست و تأثیر و تأثر آن‌ها بپردازد؛ می‌گردد. سیاست-گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های مختلف جوامع انسانی جهت تحقق

References

- Abdolahi, M. & Moarefi, S. (2010). "Common but Differentiated Responsibilities in International Environmental Law". *Journal of Legal Research*, 12(29). 199, 199-224. [In Persian]
- Alipoor, A. & Sadeghi, M. (2017). "A review on the role of environmental education in achieving sustainable development". *Third National Conference on Safety, Health, Environment and Sustainable Development. Tehran. Center of Strategies for Achieving Sustainable Development. Pp. 2-3.* [In Persian]
- Amini, M. & Mashaalahi, Z. (2015). "The Neglected Position of Environmental Education in Textbooks (Case Study: Middle School Social Science and Education Textbooks)". *Journal of Educational Sciences, Shahid Chamran University*, 6(21), 59-82 [In Persian]
- Anabi, A. & Arashpour, A. (2018). "Environmental rights and sustainable development". *National Conference on the world new achievements in Education, Psychology, Law and Socio-Cultural Studies. Islamic Azad University, Zarghan Branch, Allameh Khoei "Institute of Higher Education. Vol.1. Available at: <https://www.sid.ir/fa/seminar/ViewPaper.aspx?ID=93824>*
- Ansari, B. (2013). "The right of the child to education in the international human rights system". *Journal of Islamic Law*, 10(36), 115-146. [In Persian]
- Asadi, A. & Ziaee Najaf Abadi, M. (2012). "Public Law of the Media Literacy Education". *Journal of News Science*. 15. 92, 89-116. [In Persian]
- Azizi, M., Mehdizadeh, H. & Shobeiri, S. M. (2012). "A review on the environmental approach of housewives in Ilam". *Journal of Human and Environment*. No.22.78, 77-87. [In Persian]
- Bodaghpour, S. & Khalilzadeh, M. R. (2008). "Effects of greenhouse gases on the occurrence of drought and water crisis and methods to deal with it". *The first Zabul water crisis conference. Hamoon International Wetland Research Institute. Pp.86.* [In Persian]
- CESCR Committee. "General Comments. No. 11 on plans of action for primary education". *UN doc, E/C, 12, (1999), p. 4.*
- CRC Committee. "General Comment. No. 1 on the aims of education (article 29)". *UN doc, CRC, GC, (2001), p. 1. Available at: [https://www.ohchr.org/EN/Issues/Education/Training/Compilation/Pages/a\)29General](https://www.ohchr.org/EN/Issues/Education/Training/Compilation/Pages/a)29General)*
- Ebrahimi Ghavam, S. & Moghanaki, A.A. (2008). "Methods of teaching environmental skills (Case study: educating children)". *Journal of Efficient schools. No.4. Tehran. 88, 87-89.* [In Persian]
- Eftekhar Jahromi, G. (2003). "The right to the environment with an emphasis on the right of access to environmental information". *The first conference on environmental law in Iran. Tehran. Pp.1-2.* [In Persian]
- Eslami, R. & Ajeli Lahiji, M. (2016). "Challenges of social development in the international human rights system with emphasis on the right to education, the right to health and the eradication of poverty". *Journal of Legal Researches*. 19(74). 214, 211-244. [In Persian]
- Ghari Seyed Fatemi, S. M. (2009). "*Human rights in the contemporary world, analytical inquiries of rights and freedoms*". Shahr-e-Danesh Publication. p. 307. [In Persian]
- Habibi Majandeh, M. Abdolmaleki, M. Moosavi, S.Z. (2012). "Economic sanctions and violations of the right to education". *Journal of Human rights*. 7(1). 5, 3-24. [In Persian]

- Hemati, Z. Shobeiri, S.M. (2016). "Investigating the situation of environmental education in Iran and comparing it with other countries in the world". *Journal of Human and the environment. Tehran*. No. 37.73-75, 61-81. [In Persian]
- Kalantari, K., Shabanali Fami, H. & Asadi, A. and Mohamadi, H. (2007). "Investigating Factors Affecting Environmental Behavior of Urban Residents: A Case Study in Tehran City-Iran". *Journal of Environmental Sciences*. 3(2). 69, 67-74.
- Kalhor, H.A. (2017). "The right to education on environmental issues". *Journal of Management on Disciplinary Education*. No. 40. 87, 81-100.
- Kiss, A.C. (2000). "Introduction to International Environmental Law". Translated By Habibi, M. H. Tehran University Publication. Vol. 1. p. 199.
- Kroll, S. (2004). "Knowing of the Environment- first step". Translated By Moalemi Shirazeh, B. Publishing and Research. 35, 32-47.
- Lak, A. Shariatpanah, M. (2017). "Investigating the importance and necessity of critical thinking education in primary schools". *The first national conference of modern research in Iran and the world in psychology and educational sciences, Elmi-Karbordi University of Shushtar, Shiraz*. p. 7. Available at: https://www.civilica.com/Paper-PESLSBTM04-PESLSBTM04_241.html. [In Persian]
- Mac Collin, K. e. (2003). "International environmental justice rights and remedies". *Hasting international and comparative law review*, University of California, 26(8), 429, 420-443.
- Majdzadeh, G. (2011). "Cultural rights and peace". *PhD Thesis, Faculty of Law, Shahid Beheshti University*. pp. 24-26. [In Persian]
- Mohammadi Alamooti, M. & Jalali, M. Shoostari, M. (2017). "The right to life and its deprivation from the Islamic perspective and international human rights with emphasis on suicide operations". *Journal of Man and the Religious Research*, 14(37). 149,143-165. [In Persian]
- Molayi, Y. (2007). "The right to development and the universality of human rights". *Journal of Law, University of Law and Political Science Publication, Tehran University, No. 56,55, 49-83*. [In Persian]
- Motahari, M. (2005). "Works of Master Shahid Motahar". Editor of the Council for Supervising the Publication of the Works of Martyr Ayatollah Motahari, Tehran, Sadra, Pp. 243-245. [In Persian]
- Nazari Bahar, A.M. (2017). "Investigating on the Prevention of Environmental Crimes (Green Crimes) with Emphasis on the Iranian Legal System". *Islamic Azad University, Damavand Branch, Law Group (Criminal and Criminology)*. p.2. [In Persian]
- OECD, international energy agency (IEA). (2009). "key world energy statistic". Printed in France by STEDZ MEDIA. P.2. Available at: www.iea.org.
- Pearce, C. (2012). "Ombudspersons for future Generations A proposal for Rio +20. UNEP". *Program 2012. Issue No.6. p. 14*. Available at https://wedocs.unep.org/bitstream/handle/20.500.11822/7444/-UNEP_Perspective_Series_-_Ombudspersons_for_Future_Generations_A_proposal_for_Rio+20-2012ENVIRONMENT_PAPERS_DISCUSSION_6.pdf.pdf?sequence=3&isAllowed=y
- Poorzahir, A.T. (2019). "Principles and foundations of education". 17th Edition, Tehran, Agah Publication, Pp.220-235. [In Persian]
- Ramezani Ghavamabadi, M.H. (2013). "Since Rio in the pursuit of sustainable development". *Journal of Legal Researches*, No. 62.415, 409-459. [In Persian]
- Ramezani Ghavamabadi, M.H. & Shafiqfard, H. (2016). "Sustainable development and the right to a healthy environment: a vision for future generations". *Scientific-Research Journal of World policy*, 5(1). p.248, 271-241. [In Persian]

- Rosenne, S. (1991). "*Documents on the International Court of Justice*". First bilingual edition, Martinus Nijhoff Publication, Pp.31-33.
- Shestak, J. J. (2001). "*Philosophical foundations of human rights in human rights, theories and procedures*". Translated By Sharifi Tarazkoochi, H. University of Law and Political Science Publication. Tehran University. p.31. [In Persian]
- Ssenyonjo, M. (2009). "*Economic, Social and Cultural rights in international law*". Hart publication. p. 357.
- Tasnim News Agency, (2017). "Statistics of Iranian students on the horizon of 1400". Available at: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/08/14/1565319> [In Persian]
- UNEP, (2009). "*Climate in Peril, A popular guide to the latest IPCC (International Panel on Climate Change)*". Grid - Arendal Publication, Norway, Available at: www.grida.no/publications/155.

